

بازآفرینی منشور علوی در دولت اسلامی
بررسی آرا و شیوه‌های اجرایی رئیس جمهوری اسلامی ایران

نویسنده:

دکتر محمود احمدی نژاد

مقدمه

مؤلفه‌ها و مبانی نظری و علمی دولت اسلامی و ابتناء و تأکید آن بر اصول بنیادینی چون عدالت محوری، خدمتگزاری، مهرورزی و سایر ارزشهای اسلامی به گونه‌ای است که توجه و دغدغه‌های رئیس جمهور را به مضامین کارگزاری در مکتب علوی متبادر به ذهن مینماید. در همین راستا این شماره از گزارش جمهور با عنوان «بازآفرینی منشور علوی در دولت اسلامی» به رویکرد رئیس محترم جمهوری به «نامه حضرت امیر المؤمنین علی (ع) به مالک اشتر» اختصاص یافته، که در بخش نخست آن بازخوانی آن نامه شریفه از سوی خود دکتر احمدینژاد در جمع خانواده و فرزندان خویش می‌باشد که چندی پیش نیز از سوی وبلاگ شخصی ایشان و برخی جراید منتشر گردیده است. اما به دنبال درخواستهای متعدد، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری بر آن شد تا ضمن انتشار مجدد یادداشت‌های جناب آقای دکتر احمدینژاد، دغدغه‌های نظری و تأکیدات عملی ایشان که منطبق با فرامین حکومتی حضرت امیر (ع) و مورد تأکید و توصیه‌های احیاگرانه‌ی حضرت امام خمینی (ره) و نیز رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در آئین کشورداری است را جمع‌آوری و در بخش دوم ذیل عنوان بازآفرینی منشور علوی در کشورداری به زیور طبع آراسته کند. لذا در بخش دوم این گزارش تلاش شده است تا جذبه معرفتی و علمی رئیس جمهور به سیره امام علی (ع) رصد گردیده و در وسع یک گزارش به مخاطبان تقدیم شود.

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی
مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

بخش اول : بازخوانی منشور علوی در کشورداری

راه ما، حکومت اسلامی / راهنمای حکمرانی اسلامی^{*۱}

نوع نگاه به حکومت و حکمرانی، عاملی اصلی و تعیین کننده در نحوه تعامل با مردم است. اگر حکومت را حقی برای حکمرانان بدانیم، دوره حکمرانی فرصتی خواهد شد برای ارضای امیال شخصی و گروهی و فخرفروشی و خوشگذرانی حاکمان. اما اگر حکومت در نظر ما تکلیفی برای احقاق حقوق عامه و خدمت به خلق خدا و یاری مظلومان و اقامه عدل الهی باشد، آنگاه آنچه اهمیت خواهد یافت، مصالح امت است. در چنین دیدگاهی هدف نهایی، جلب رضایت پروردگار از طریق خدمت به بندگان او و بسط عدالت و معنویت خواهد بود. و این آن هدفی است که جز با سرسپردگی به آستان حضرت حق قابل تحصیل نیست و برای تحقق آن بذل جان و حتی آبرو نیز شیرین است. با چنین منطقی لبخند رضایت کودکی یتیم، که به حق خود رسیده است، بر رضایت سیاستمداران استعمارگر ترجیح مییابد و تشکر زنی رنجدیده که از ظلم رهایی یافته است، از صدها مدال رسمی و عناوین بین المللی ارزشمندتر خواهد بود. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که بر پایه دین بنا نهاده شده است چهارچوب و شرح وظایف حاکمان، از متون دینی استخراج شده و به صورت قانون درآمده است. از این رو، این متون بهترین راهنمای حاکمان برای حکمرانی خوب است. شب گذشته فرصتی دست داد که در کنار خانواده کتاب شریف نهجالبلاغه را که از ارزشمندترین متون دینی ماست، مرور کنم. طبعاً به عنوان کسی که مدتی است سنگینترین بار اجرایی کشور را عهده دار شده است، ترجیح دادم تا از این فرصت استفاده کنم و بار دیگر نامه امام علی - علیها السلام - خطاب به مالک اشتر را که در آن شیوههای صحیح حکمرانی تشریح شده است، همراه با همسر و فرزندانم، مطالعه نمایم. آنچه در این نامه ارزشمند که نامه پنجاه و سوم از این کتاب شریف است، آمده، قطعاً والاترین منشور مدیریت اسلامی است. در این جا بخشهایی از این متن ارزشمند را که بیشتر برایم جلب نظر میکرد میآورم، و همگان به خصوص همکاران عزیزم در دولت را دعوت میکنم تا آنها نیز بار دیگر با مراجعه به کتاب نهجالبلاغه و مطالعه کامل فرمان حضرت به مالک اشتر، سعی کنند عملکرد خود را روز به روز بیشتر با دستورالعملهای ایشان مطابقت دهند. اگر چه باید گفت که فاصله ما با آنچه امیرالمؤمنین از ما خواسته، بسیار بسیار زیاد است، اما میتوان و باید برای کم کردن این فاصله تلاش کرد.

«ای مالک، قلبت را از رحمت، محبت و مهرورزی نسبت به مردم مالا مال (پر) کن. مبادا نسبت به آنان مانند حیوان درندهخوباشی که شکار آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم دو دستهند، یا برادر دینی تو یا شبیه تو در خلقت اند. لغزشهایی از آنان سر میزند، و خطاهایی بر آنان روی میآورد، و از روی عمد یا خطا دچار تجاوز میگردند.

۱ * مطالب بخش اول این گزارش عیناً به قلم رئیس جمهور اسلامی ایران تحریر گردیده که ضمن طرح یک دیباچه مضامین گهربار نامه از سوی ایشان در جمع خانواده مورد مطالعه توجه قرار گرفته است. اما متن عربی از سوی این مرکز در پاورقی آورده شده است.

مردم را از بخشش و چشم پوشیهای خود آنچنان بهره‌مند ساز که دوست داری مثل آن را خدا برای تو عطا فرماید، زیرا اگر چه مقام تو بالاتر از آنان است، اما مقام زمامدار تو بالاتر از دوست، و خداوند نیز فوق زمامدار دوست، و خداوند رسیدگی به امور مردم را از تو خواسته، و تو را به وسیله آنان آزمایش کرده است. و از عفو که کرده‌ای هرگز نادم مشو، و به کیفری که داده‌ای، هرگز شادمان مشو، و مادامی که راهی برای گریز داشته باشی، به غضب و پرخاش مشتاب. و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از دوست، بنگر که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، و تندروی تو را فرو مینشاند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز میگرداند. ای مالک، میان خدا و مردم از یک طرف و خودت و خاندانت و آن کس از مردم که او را دوست میداری، از طرف دیگر انصاف برقرار کن. اگر انصاف برقرار نکنی، ستم ورزیده‌ای و هر کس که به بندگان خدا ستم روا دارد، خداست که از طرف بندگان دشمن آن ستمکار است، و هر کس که خدا با او خصومت کند، کاری از پیش نمیرد و چاره‌ای نخواهد داشت، و چنین شخصی در حال جنگ با خداست تا آنگاه که از ستمکاری برگردد و توبه نماید. آگاه باش که هیچ چیزی بیش از رفتار ظالمانه موجب تغییر نعمت خداوندی و تسریع در انتقام او نیست؛ زیرا خداوند شنونده دعای ستمدیدگان است، و در کمین ستمکاران. باید محبوبترین امور در نزد تو، میانترین در حق، فراگیرترین در عدالت، و جامعترین آنها در جلب رضایت مردم باشد؛ زیرا غضب عموم، رضایت خواص را زیر پا خواهد گذاشت، و غضب خواص در صورت رضایت عموم مردم، قابل چشم پوشی میشود و اهمیتی نخواهد داشت. خواص در دوران صلح و آرامش بیش از سایر افراد مردم سبب تکلف و مشقت زمامداران هستند و در روزگار سختی نیز یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر و در خواسته‌هایشان مصرتر و در عطا و بخششها کم سپاستر و در پذیرش عذر و دلیل، در صورت امتناع زمامدار از عطا، سختگیرترند... و هیچ فرد و گروهی در حوادث بزرگ روزگار مانند خواص، کم صبر و بیتحمل نیستند. در حالی که ستونهای استوار دین و اجتماع مسلمانان و وسیله دفع دشمنان، عموم مردم هستند، پس گوش تو، شنوای سخنان این مردم و تمایل تو، به سوی آنان باشد. ای مالک، دورترین و مبغوضترین مردم در نزد تو کسی باشد که بیشتر به دنبال عیبجویی و ابراز عیوب مردم است؛ زیرا در مردم عیبی است که شایسته‌ترین انسانها برای پوشاندن آنها زمامدار است. پس به دنبال کشف آنچه را از تو پوشیده است؛ مباش. زیرا جز این نیست که تکلیف تو پاک کردن چیزی است که بر تو ظاهر گشته است. و خداوند متعال خود درباره آنچه از تو مخفی است، حکم خواهد کرد. ای مالک، تا میتوانی پرده بر روی آنچه باید پوشیده شود بینداز، تا خداوند سبحان آنچه را که می-خواهی از تو برای مردم پوشیده بماند، مخفی بدارد. گره هر کینه را از دلهای مردم باز کن، و عامل هرگونه عداوت را از خود دور کن، و از هر امری که برای تو واضح نیست، کناره بگیر، و هرگز در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین خیانت پیشه است، اگر چه خود را خیرخواه جلوه میدهد. و هرگز با بخیل مشورت مکن که تو را از بخشش و احسان باز میدارد و وعده فقر به تو می-دهد، و ترسو را هم در مشورت دخالت مده؛ زیرا در انجام کارها روحیه تو را ضعیف میکند، و حریص را از این کار مهم دور بدارد؛ زیرا حرص را از روی دشمنی در نظر تو میآراند. همه این صفات پست بخل، ترسویی و حرص غرایزی است گوناگون که ریشه همه آنها بدگمانی به خداست.

بدترین وزرای تو کسی است که پیش از تو، وزارت اشرار را داشته و در گناهان، شریک آنان بوده است. هرگز او را از خواص خود قرار مده! زیرا آنان یاران گنه کاراناند، و برادران ستمکاران، و تو میتوانی جانشینانی بهتر از آنان پیدا کنی که قدرت فکر و نفوذی مثل آنان داشته و در عین حال از وزر و وبال گناهان آنان به دور باشند، کسانی که هیچ ستمکاری را در ستم ورزی و هیچ گنهکاری را در ارتکاب گناه کمک نکرده‌اند.

زحمت آنان برای تو کمتر، و یاری آنان برای تو نیکوتر است و از نظر عطوفت به تو مایلتر، و با غیر از تو کم انستر میباشند. پس این گونه انسانهای ممتاز را خاص مجالس سری و علنی خود قرار بده. نزدیک-ترین خواص در نزد تو حقیقترین آنان باشد، اگر چه تلخ باشد، و آن شخص باید که در مواردی که خداوند برای اولیایش نمیبسندد، کمترین یاری را به تو نماید. خواه خوشایند تو باشد یا ناخوشایندت. و همواره به مردمی که اهل پرهیزگاری و صدقاند بپیوند. سپس آنان را امر کن که در شأن تو مبالغه نکنند و تورابه خاطر عدم ارتکاب باطل ستایش نکنند؛ زیرا ستایش زیاد خودپسندی را به دنبال میآورد و انسان را به سرکشی رهنمون میسازد. ای مالک، هرگز نیکوکار و بدکار نزد تو مساوی نباشد؛ زیرا چنین تسویهای نیکوکاران را به انجام کارهای نیکو بیرغبت، و مردم بدکار را به کارهای زشت، تحریک و تشویق مینماید. هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش بده. و هرگز سنتی نیکو را که پیشتازان این امت به آن عمل نموده، موجب انسجام امت شده، و مردم جامعه بر مبنای آن به حیات صالحه نائل گشتهاند، مشکن، و هرگز سنتی را بنیان مگذار که به چیزی از سنن گذشته ضرر برساند، که در نتیجه پاداش نصیب سنت گذاران نیکو شود، و وبال سنت شکنی گریبان تو را بگیرد. ای مالک، برای بهره برداری از علم عالمان، زانوی تعلم در برابر آنان بر زمین گذار، و برای اخذ حکمت از حکما، با آنان به تبادل نظر پرداز؛ زیرا علم و حکمت آنان تأثیر قطعی در اصلاح امور جامعه تو خواهد داشت، و هر آنچه حیات مردم را پیش از تو قوام میداد، تثبیت خواهد نمود. و بدان که مردم، متشکل از طبقاتی هستند که مصلحت زندگی بعضی از آنان تأمین نمیشود، مگر با بعضی دیگر، و هرگز با قسمتی از آن طبقات نمیتوان از قسمت دیگر بینباز گشت، از آن جمله است: لشکریان خدا، کاتبان عمومی و خصوصی، قضات عادل، اهل انصاف و سازش دهندگان مردم با یکدیگر، وصول کنندگان مالیات از مردم ذمی و مسلمین، بازرگانان و صنعتگران، و نیز طبقه پایین از حاجتمندان و بینوایان، و خداوند متعال در کتاب خود یا سنت پیامبرش سهم و موقعیت هر یک از آنان را مشخص فرموده است، و این پیمانی است از سوی خدا که نگهداری آن بر ما لازم است. طبقه پایین مردم از حاجتمندان و بینوایانند که کمک به اداره زندگی آنان لازم است، و قانون خدا برای هر یک از آنان امکانی نهاده است، و برای مصالح هر یک از آنان حقی است که بر عهده زمامدار است. زمامدار نمیتواند از حقیقت آنچه از حق آنان بر عهده دارد، بر آید، مگر با کوشش و استمداد از خداوند متعال، و آماده کردن نفس خود برای التزام به حق و شکیبایی در همه موارد، چه آسان باشد چه دشوار. و قطعی است که بهترین روشنایی چشم زمامداران، گسترش و نفوذ دادگری در جامعه و ظهور محبت مردم در جامعه است. و قطعی است که محبت مردم بروز نمیکند، مگر با آسودگی خاطر آنان نسبت به زمامداران، و خیرخواهی مردم جامعه به وجود نیاید مگر به وسیله اطلاع و احاطه آنان درباره زمامداران، و احساس اندک بودن سنگینی حاکمیت آنان، و ملول نبودن از طولانی شدن حکومتشان و معاونان خود را با دقت کامل زیر نظر بگیر، در آن هنگام که کسی از آنان دست به خیانت گشود و این خیانت را اخبار بازرسان مخفی تأیید کرد، از جنبه شهادت به آن اخبار اکتفا نموده و او را کیفر کن، و آنچه را به دست آورده است، از او بگیر و او را به موقعیت ذلت و خواری بکشان و با نشان خیانت او را مشخص نما و ننگ اتهام را بر گردنش بیاویز. ای مالک، آباد کردن زمین در نظرت با اهمیتتر از اخذ مالیات باشد، زیرا مالیات بدون آبادی قابل دریافت نیست، و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات مطالبه کند، شهرها را خراب کرده و بندگان خدا را به هلاکت رسانده و روزگار زمامداری او مدت زیادی به طول میانجامد. سپس ای مالک، خدا را، خدا را در نظر بگیر درباره طبقه پایین از مردمی که درماندهاند، از بینوایان و نیازمندان و مشقت زدگان و زمینگیران؛ زیرا در این طبقه مردمی قانع و حاجتمند وجود دارند، حق خدا را که از تو مراعات آن را درباره آنان خواسته است، حفظ کن، و برای آنان قسمتی از بیتالمال و قسمتی از عایدات

را در هر شهری در نظر بگیر. زیرا برای آن بینوایان و نیازمندان که از جایگاه تو دورند، همان حقی وجود دارد که برای نزدیکان، و تو باید حق همه آنان را مراعات نمایی. ای مالک، هشیار باش که سرمستی تو را از آنان غافل نکند؛ زیرا تو به بهانه اشتغال به کارهای بزرگ از ضایع کردن حق کوچک معذور نیستی، و هرگز توجه خود را از آنان دور مساز، و از روی تکبر روی از آنان برمگردان.

و امور کسانی از این طبقه را که نمیتوانند به حضور تو برسند و مردم به آنان با دیده تحقیر مینگرند و آنان را پست می‌شمارند، تحت نظر بگیر... سپس درباره این طبقه مستمند چنان رفتار کن که روز دیدار با خداوند سبحان معذور باشی و سربلند.

این طبقه از دیگر مردم جامعه به انصاف (و عدل و محبت) نیازمندترند. حقوق همه مردم و طبقات جامعه را چنان ادا کن که نزد خدا معذور و سربلند باشی. اداره شئون ایتم و کسانی را که گذشت سالیان عمر، آنان را ناتوان ساخته است، از کسانی که در مانده‌اند و دست نیاز دراز نمیکنند، با دقت و توجه به عهده بگیر و به آن ملتزم باش. اگر چه این دقت و تعهد بر زمامداران و التزام به همه انواع حق سنگین است، اما خداوند متعال این سنگینی را برای کسانی که طلب عاقبت نموده و نفس خود را درباره حق شکیب ساختهند و به صدق وعده خداوندی اطمینان دارند، سبک میکند.

و برای نیازمندان که مراجعه آنان به تو ضروری است، قسمتی از وقت خود را اختصاص بده تا با شخص تو به طور مستقیم ارتباط برقرار کنند، و برای آنان مجلس عمومی قرار بده و در آنجا در برابر خدایی که تو را آفریده است، فروتنی کن. و در این ارتباط لشکریان و معاونان مانند نگهبانان و پاسبانان را دور بساز، تا کسی از آن نیازمندان که با تو سخن میگوید، بتوان بدون لکنت زبان سخنش را بگوید، زیرا من در مواردی متعدد از رسول خدا (ص) شنیدم که میفرمود: «هیچ امتی به پاکی و قداست نخواهد رسید، اگر حق ضعیف آن امت از قدرتمندش بدون لکنت زبان گرفته نشود.» آنگاه برخورد بد و تند سخن آنان را تحمل کن، و مگذار آنان در تنگنای هیبت فرمانروایی و تکبر تو به سختی بیفتند (و نتوانند درد دل و حاجات خود را ابراز بدارند)، تا خداوند ابعاد رحمتش را بر تو بگستراند، و پاداش اطاعتش را برای تو مقرر دارد و آنچه را عطا میکند، به طور گوارا عطا کن و اگر نتوانستی نیاز کسی را بر آوری، با روی خوش و پوزش خواهی او را برگردان.

برخی از امور است که باید خود تو مستقیماً آنها را مورد بررسی یا اجرا قرار بدهی، از آن جمله است: ۱. پاسخ مسائل کارگزاران در آن موقع که کاتبان تو ناتوان باشند ۲. بر آوردن نیازهای مردم که بر تو ارائه شده و دستیاران تو در بر آوردن فوری آن نیازها ناتوانند.

ای مالک، عمل هر روز را در همان روز به جای بیاور؛ زیرا برای هر روز موقعیت و قانون خاصی حکمفرماست، که اگر آن روز بگذرد، دیگر آن موقعیت به دست نخواهد آمد. ای مالک، ما بین خود و خدایت قسمتی از بهترین اوقات و شایستهترین آنها را اختصاص بده، هر چند که اگر اوقات عمر تو با نیت صالح بگذرد و مردم در آن اوقات در آسایش باشند، عبادتی است برای خدا.

از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است، پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده، و آنچه تو را به خدا نزدیک میکند، بیعیب و نقصانی انجام ده. اگر چه دچار خستگی جسم شوی.

هرگز خود را مدتی طولانی از مردم جامعه خود دور مکن؛ زیرا اختفای زمامداران از مردم وارد کردن نوعی فشار بر آنان و عامل کم اطلاعی از امور حیات اجتماعی مردم است. غیاب زمامداران (و هرگونه کارگزاری) از مردم، زمامداران را از دانستن اموری که از آنان پوشیده است، باز میدارد. در نتیجه امر بزرگ نزد آنان کوچک، و کوچک بزرگ، و زیبا زشت، و زشت زیبا جلوه میکند و حق با باطل درهم میآمیزد.

سپس برای زمامدار، خواص و نزدیکانی است که دارای صفت خودخواهی و مقدم شمردن خود بر دیگران، دست درازی و کم انصافی در معاملات میباشند. ریشه اینگونه افراد را با قطع صفات مزبور بخشکان.

و هرگز به کسی از اطرافیان و خویشانان خود قطعه زمینی از زمینهای مردم را اختصاص مده و به گونهای رفتار مکن تا برای بستن قراردادی که به زیان مردم است، در تو طمع کند و زحمت و مخارج آن را به گردن دیگران بیندازند، که در نتیجه، خوشی و امتیاز این خطا کاری برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت از آن تو خواهد بود.

حق را درباره همه، چه نزدیکان و چه بیگانگان اجرا کن و در انجام این تکلیف بردبار باش و تقرب به خدا را مورد نظر قرار بده. هر وضعی که اجرای حق درباره خویشان و خواصت پیش بیاورد، مانع اقدام تو برای اجرای حق نباشد، و تو عاقبت احقاق حق را اگر چه سنگین است در نظر بگیر؛ زیرا نتیجه و پایان آن پسندیده است.

و اگر مردم، تو را به تعدی و ظلمی متهم کردند و درباره تو بدگمان شدند، عذر خود را برای آنان آشکار کن و با آن عذر آشکار، بدگمانیهای آنان را از خود برگردان؛ زیرا در این اعتذار و رفع سوء تفاهم مشقتی است برای نفس تو، و محبت و مدارایی است برای مردم جامعه. و با عذری که میآوری، در پا برجا ساختن آنان در مسیر حق، به خواسته خود نایل میگردی.

و اگر میان خود و دشمن معاهداتی منعقد نمودی یا از طرف خود پناهندگی به او دادی، به معاهده خود به طور کامل وفا کن، و با کمال امانت تعهد پذیرش پناهندگی او را مراعات نما، و خود را در برابر عهدی که بستهای سپر کن؛ زیرا هیچ یک از واجبات الهی مانند وفای به عهد نیست که همه مردم با تمام اختلافی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند.

خداوند متعال عهد و پیمانی را که با نام او شکل میگیرد، با رحمت الهی خود میان بندگانش عامل امنیت و پناهگاهی قرار داده است که در آن بیارامند، و در همسایگی آن با احساس امنیت به زندگی خود ادامه بدهند. پس هیچگونه دغل بازی و فریبکاری و نیرنگ را در تعهدها نباید راه داد و هیچ معاملهای را به گونهای منعقد مکن که ابهام انگیز بوده و امکان اختلال در آن وجود داشته باشد، و پس از تأکید و استحکام متن معاهده، دست از بهانه جویی بردار.

و اگر تعهد الهی، تو را در موردی در تنگنا قرار داد، این امر هرگز موجب نشود که درصدد فسخ به ناحق آن تعهد بر آیی؛ زیرا شکیبایی تو بر تنگنایی که امید گشوده شدن و نیکی عاقبت آن را داری، بهتر از آن عذرخواهی است که از نتیجه بد آن بیمناک بوده، و از بازخواست خداوندی که در دنیا و آخرت تو را فرا خواهد گرفت، هراسناک باشی.

و پرهیز از خودپسندی و به خود بالیدن، و از اطمینان به آنچه از نفس خود، تو را به خودپسندی وادار کرده، و پرهیز از دوست داشتن مداحی و تملق دیگران؛ زیرا این صفات پلید از محکمترین فرصتها برای شیطان است که نیکی نیکوکاران را در آن محو میسازد.

و پرهیز از منت گذاردن بر مردم خود به خاطر احسانی که به آنان کردهای، و از زیاد شمردن کاری که در حق آنان انجام دادهای، برحذر باش، و پرهیز از تخلف از وعدهای که دادهای؛ زیرا منت گذاردن احسان را باطل میکند و زاید شمردن کاری که به سود جامعه انجام گرفته است، نور حق را از بین میبرد، و تخلف از وعده موجب عداوت در نزد خدا و مردم میگردد. خداوند متعال فرموده است: «اینکه بگویند چیزی را که به آن عمل نمیکنید، عداوتی بزرگ است.»

و پرهیز از شتابزدگی در امور پیش از رسیدن موقع آنها، و از سستی و درماندگی در موقعیت مقتضی آن امور برحذر باش و از لجاجت در موقعیتی که مشکل و ابهام انگیز باشد، و از مسامحه درباره آن امور، وقتی که آشکار شدهاند، پرهیز. پس هر امری را در موضع خود قرار بده، و هر امری را در جایگاه مناسب خود مقرر بدار.

و من از رحمت و وسعۀ خداوندی و قدرت عظیمش مسئلت میدارم که خواستههای ما را عنایت فرماید،

و من و تو را موفق بدارد به آنچه رضای او در آن است، تا نزد او و خلق او دارای عذری روشن باشیم. و برخوردار از یاد نیکو در میان بندگان، و یادگار نیک در شهرها گردیم و به همه نعمتها و کرامتها نائل آییم. و از آن ذات اقدس مسئلت میدارم که پایان زندگی من و تو را به سعادت و شهادت ختم فرماید. قطعا ما به سوی او بازگشت خواهیم کرد و درود بر رسول خدا - صلوات الله علیه - و اولاد پاک و پاکیزه او، درود بسیار فراوان، و درود بر تو.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَّلَاهُ مَصْرَ جَبَابَةَ خَرَجَاهَا وَ جِهَادَ عَدُوَّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا أَمْرَهُ بِنُصْرَةِ اللَّهِ وَ إِتْقَانِ طَاعَتِهِ وَ إِتْيَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا وَ أَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِهِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازَ مَنْ أَعَزَّهُ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشُّهُورَاتِ وَ يَزْعُمَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةَ بِالسُّبُوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ ثُمَّ أَعْلِمُ يَا مَالِكُ أَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دَوْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَ جَوْرِ وَ أَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِي فِي مِثْلِ مَا كُنْتُ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَ يَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتُ تَقُولُ فِيهِمْ وَ إِنَّمَا يَسْتَنْدِلُ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَاْمَلِكْ هَوَاكَ وَ شَخَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشَّخَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ وَ اشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْحُبَّ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِنَّمَا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِنَّمَا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرَطُ مِنْهُمْ الرِّبَالُ وَيُتْرَعَضُ لَهُمْ الْعِلَلُ وَ يُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَ الْخَطَا فَاَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي حُبَّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَ وَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَ اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَّلَاكَ وَ قَدْ اسْتَكْفَمَكَ أَمْرُهُمْ وَ ابْتَلَاكَ بِهِمْ وَ لَا تَنْصِبَنَّ نَفْسَكَ لِحَرْبِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا يَدُ لَكَ بِنَفْسِهِ وَ لَا غِنَى بِكَ عَنْ عَفْوِهِ وَ رَحْمَتِهِ وَ لَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ وَ لَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبَةٍ وَ لَا تَسْرِعَنَّ إِلَى بَادِرَةٍ وَجَدْتَ مِنْهَا مَنُوحَةً وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَاطَّاعَ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مَنَهَكَةٌ لِلدِّينِ وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْبِ وَ إِذَا أَحَدْتُ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَهْتَهُ أَوْ مَخِيلَةً فَاَنْظُرْ إِلَى عِظَمِ مَلِكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ بِطَانُ مِنَ الْبَيْتِ مِنْ طِمَاحِكَ وَ يَكْفُ عُنُقَكَ مِنْ غَرْبِكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عُنُقَكَ مِنْ عَمَلِكَ إِنَّكَ وَ مَسَامَاةُ اللَّهِ فِي عِظَمَتِهِ وَ التَّنَشُّبُ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُدَلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يُهَيِّنُ كُلَّ مُخْتَالٍ أَنْصَبَ اللَّهُ بِهَرِ أَنْصَبَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصِيَةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَيْوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ إِلَهُهُ خُصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَى حُجَّتَهُ وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَهَّدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالرِّضَادِ وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحَفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنْ سُخِطَ الْخَاصَّةُ يَغْتَمِرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِيِّ مَنُونَةً فِي الرِّخَاءِ وَ أَقْلَ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ وَ أَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَ أَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ وَ أَطْبَأَ عَذْرًا عِنْدَ الْمَنْعِ وَ أَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ وَ إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعِ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعِدَّةُ لِلْإِعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صِعُوكَ لَهُمْ وَ مَبْلِكُ مَعَهُمْ وَ لِيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِجَعَابِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِيِّ أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتَرْ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتَرْ اللَّهُ مِنْكَ مَا حُبَّ سَتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عَقْدَةَ كُلِّ حَمْدٍ وَ اقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَتْرٍ وَ تَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضِحُ لَكَ وَ لَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصَدِيقِ سَاعٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٍ وَ إِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ وَ لَا تَدْخُلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بِخِيَلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعْذِلُ الْفَهْرَ وَ لَا جَبَانًا يَضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ فَإِنَّ الْبَيْخُلَ وَ الْجَبِينَ وَ الْحَرِيصَ غَرَائِزُ بَشَرِي يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ إِنْ شَرَّ وَ زَرَأَكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَ زَيْرًا وَ مَنْ شَرَّكَهُمْ فِي الْأَنَامِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بِطَانَةً فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثَمَةِ وَ إِخْوَانُ الظُّلْمَةِ وَ أَنْتَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مِنْ لَهٍ مِنْهُمْ وَ نَصَاهُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَصَارِهِمْ وَ أَوْزَارِهِمْ وَ أَنْامِهِمْ مَنْ لَمْ يَعْاوَنَ ظَالِمًا عَلَى ظُلْمِهِ وَ لَا أَنْمَأَ عَلَى إِثْمِهِ أَوْلِيكَ أَحْفَ عَلَيْكَ مَنُونَةٌ وَ أَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةٌ وَ أَحْسَنُ عَلَيْكَ عَطْفًا وَ أَقْلُ لِعَبْرِكَ إِذَا فَاتَكَ أَوْلِيكَ خَاصَّةً لِحُلُوتِكَ وَ حَفَلَاتِكَ ثُمَّ لِيَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلُهُمْ بِمَرِّ الْحَقِّ لَكَ وَ أَقْلُهُمْ مُسَاعِدَةٌ فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مَا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَانِهِ وَ أَعْبَأَ ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ وَ الصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الْبَصْدُقُ ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَى الْأَبْطُرُوكِ وَ لَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ حُدِثَ الرَّهْوُ وَ تَذْبِي مِنَ الْعِزَّةِ وَ لَا يَكُونَنَّ الْحُسَيْنُ وَ الْمُسَيَّبُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سُوءِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْبًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ الزُّمُّ كَلَامٌ مِنْهُمْ مَا الزُّمُّ نَفْسَهُ وَ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بَادِعِي إِلَى حَسَنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَ تَخْفِيْفِهِ الْمُنُونَاتِ عَلَيْهِمْ وَ تَرَكَ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَى مَا لَيْسَ لَهُ قَبْلَهُمْ فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حَسَنُ الظَّنِّ بِرَعِيَّتِكَ فَإِنَّ حَسَنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَبًا طَوِيلًا وَ إِنْ أَحَقَّ مَنْ حَسَنَ ظَنِّكَ بِهِ لَنْ حَسَنَ بِلَاؤِكَ عِنْدَهُ وَ إِنْ أَحَقَّ مَنْ سَاءَ ظَنُّكَ بِهِ لَنْ سَاءَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ وَ لَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ

الْأُمَّةَ وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَ لَا تُحَدِّثُ سُنَّةَ نَبِيِّ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ فَيَكُونُ الْأَجْرُ لِنَسَبِهَا وَ
 الْوَزْرُ عَلَيْكَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا وَ أَكْثَرَ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مَنَاقِسَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَنْبِيهِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ
 بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَ لَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَ مِنْهَا
 كِتَابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ مِنْهَا قِضَاةُ الْعَدْلِ وَ مِنْهَا عَمَالُ الْإِنْصَافِ وَ الرَّفْقِ وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجَزْيَةِ وَ الْخِرَاجِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ مُسَلِّمَةُ
 النَّاسِ وَ مِنْهَا التَّجَارُ وَ أَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ وَ كُلٌّ قَدْ سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ
 وَضَعَ عَلَى حُدُودِهِ فَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةَ نَبِيِّهِ صَ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ
 الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ ثُمَّ لَا قِيَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخِرَاجِ الَّذِي يَقْوَمُونَ بِهِ عَلَى جِهَادِ
 عَدُوِّهِمْ وَ يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يَصْلِحُهُمْ وَ يَكُونُ مِنْ وَرَاءِ حَاجَتِهِمْ ثُمَّ لَا قِيَامَ لِهَذَيْنِ الصِّفَتَيْنِ إِلَّا بِالصَّنْفِ الثَّلَاثِ مِنَ الْقِضَاةِ وَ
 الْعَمَالِ وَ الْكِتَابِ لِمَا يَحْكُمُونَ مِنَ الْمَعَاوِدِ وَ يَجْمَعُونَ مِنَ الْمَنَافِعِ وَ يُؤْتَمِنُونَ عَلَيْهِ مِنْ خَوَاصِّ الْأُمُورِ وَ عَوَامِّهَا وَ لَا قِيَامَ لَهُمْ جَمِيعًا
 إِلَّا بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ مِنْ مَرَافِقِهِمْ وَ يَقِيمُونَهُ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ وَ يَكْفُونَهُمْ مِنَ التَّرْفِقِ بِأَيْدِيهِمْ مَا لَا
 يَبْلُغُهُ رَفَقٌ غَيْرُهُمْ ثُمَّ الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ الَّذِينَ يَجُوقُ رَفَقُهُمْ وَ مَعُونَتُهُمْ وَ فِي اللَّهِ لِكُلِّ سَيِّئَةٍ وَ لِكُلِّ
 عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يَصْلِحُهُ وَ لَيْسَ يُخْرِجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةٍ مَا زَمَّهَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ وَ تَوَطُّبِ
 نَفْسِهِ عَلَى لُزُومِ الْحَقِّ وَ الصَّبْرِ عَلَيْهِ فِيمَا خَفَّ عَلَيْهِ أَوْ ثَقُلَ فَوْقَ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمْرِكَ وَ
 أَنْفَاهُمْ حَيًّا وَ أَفْضَلَهُمْ حَلِيمًا مَنْ يَبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعَذْرِ وَ يَرَأْفُ بِالضَّعْفَاءِ وَ يَتَّبِعُ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ مَنْ لَا يَثِيرُهُ
 الْعُنْفُ وَ لَا يَفْعُدُ بِهِ الضَّعْفُ ثُمَّ الصُّوقُ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَ الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السُّبُوقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلُ النَّجْدَةِ وَ
 الشُّجَاعَةِ وَ السَّخَاءِ وَ السَّمَاخَةِ فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَ شِعْبٌ مِنَ الْعِزِّ ثُمَّ تَفَقَّدُ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ الْوَالِدَانُ مِنْ
 وَلَدَيْهِمَا وَ لَا يَتَفَقَّدَنَّ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ قَوَّبْتَهُمْ بِهِ وَ لَا حَقْرَنَ لُطْفًا تَعَاهَدْتَهُمْ بِهِ وَ إِنْ قَلَّ فَإِنَّهُ دَاعِيَةٌ لَهُمْ إِلَى بَدْلِ النَّصِيحَةِ
 لَكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ وَ لَا تَدْعُ تَفَقُّدَ لَطِيفِ أُمُورِهِمْ إِتْكَالًا عَلَى جِسْمِهَا فَإِنَّ لِتَيْسِيرِ مِنْ لَطِيفِكَ مَوْضِعًا يَنْتَفِعُونَ بِهِ وَ
 لِلْجَسِيمِ مَوْضِعًا لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهُ وَ لِيَكُنْ أَثَرُ رَعُوسِ جُنُودِكَ عِنْدَكَ مِنْ أَسَاهِمٍ فِي مَعُونَتِهِ وَ أَفْضَلِ عَلَيْهِمْ مِنْ جَدِيدِهِ بِمَا
 يَسْعُهُمْ وَ يَسَعُ مِنْ وَرَاءِهِمْ مِنْ خُلُوفِ أَهْلِيهِمْ حَتَّى يَكُونَ هَمُّهُمْ هَمًّا وَاحِدًا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ فَإِنَّ عَطْفَكَ عَلَيْهِمْ يَعْطِفُ
 قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ وَ إِنْ أَفْضَلَ قَرَّةَ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةَ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَ ظُهُورَ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَ إِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ
 صُدُورِهِمْ وَ لَا تَصِحَّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَبِطَتِهِمْ عَلَى وِلَاةِ الْأُمُورِ وَ قَلْبَهُ اسْتِنْقَالَ دَوْلَتِهِمْ وَ تَرَكَ اسْتِنْبِطَاءَ انْقِطَاعِ مَدَنَتِهِمْ فَافْسَحْ
 فِي أَمَالِهِمْ وَ وَاصِلْ فِي جِسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبِلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَعْمَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ
 حُرْضُ التَّكَاثُرِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَبْلَى وَ لَا تَضْمَنْ بِلَاءَ أَمْرٍ إِلَى غَيْرِهِ وَ لَا تَقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بِلَائِهِ وَ لَا
 يَمُوتَنَّكَ شَرَفُ أَمْرٍ إِلَى أَنْ تَعْظُمَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفَ أَمْرٍ إِلَى أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا وَ أَرُدَّهُ إِلَى
 اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا يَضْلَعُكَ مِنَ الْخَطُوبِ وَ يَسْتَبِيهِ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمِ أَحَبِّ إِرْشَادِهِمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ الْأَخْذُ بِحُكْمِ
 كِتَابِهِ وَ الرُّدُّ إِلَى الرَّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمُرْتَفِقَةِ ثُمَّ اخْتَرِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مَنْ لَا تَضِيقُ
 بِهِ الْأُمُورُ وَ لَا تَحْكُمُ الْخِصُومَ وَ لَا يَمَادِي فِي الزَّلَّةِ وَ لَا يَحْضُرُ مِنَ الْفِرْعِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَ لَا تَشْرَفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ وَ لَا
 يَكْتَفِي بِأَيِّ فِهِمْ دُونَ أَفْصَاهُ وَ أَوْفَقَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ وَ أَخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ وَ أَقْلَهُمْ تَبَرُّمًا بِمَرَاجِعَةِ الْخِصْمِ وَ أَصْبَرَهُمْ عَلَى
 تَكْشِيفِ الْأُمُورِ وَ أَصْرَهُمْ عِنْدَ اتِّصَاحِ الْحُكْمِ مَنْ لَا يَزِدُّهُ إِطْرَاءً وَ لَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءً وَ أَوْلَتْكَ قَلِيلٌ ثُمَّ أَكْثَرَ تَعَاهُدَ قِضَائِهِ وَ
 أَفْسَحَ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يَزِيلُ عِلْتَهُ وَ تَقِلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ وَ أَعْطَاهُ مِنَ الْمُنْزَلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ
 لِيَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِبَالَ الرِّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ فَانظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يَعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى
 وَ تَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَالِكَ فَاسْتَعْمَلَهُمْ اخْتِبَارًا وَ لَا تَوَلَّهُمْ مَحَابَبَةً وَ أَثَرَهُ فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شِعْبِ الْجُورِ وَ الْخِيَانَةِ
 وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلُ النَّجْرِيَّةِ وَ الْحِيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَ أَصْحَبُ أَعْرَاضًا وَ
 أَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا وَ أْبَلُغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمْ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ
 غِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا حُتَّ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثْ الْعَيُونَ مِنْ أَهْلِ
 الصَّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حُدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ حَفِظْ مِنَ الْأَعْوَانِ
 فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ يَسْطُرُ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةِ اجْتِمَاعَتِهَا بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارٌ عَمُوكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَسَطَّطَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي
 بَدَنِهِ وَ أَخَذَتْهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ وَ تَفَقَّدْ أَمْرَ الْخِرَاجِ بِمَا يَصْلُحُ
 أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كَلَهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخِرَاجِ وَ أَهْلِهِ وَ
 لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغُ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخِرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ
 أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقْمِ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا فَإِنَّ شَكْوَى نَقْلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرِبٍ أَوْ بَالَةً أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا عَرَقٌ
 أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّو أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ وَ لَا يَتَّقَلْنَ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّتْ بِهِ الْمُتَوَنُّةُ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ دَخَرَ
 يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ وَ تَزْيِينِ وَلايَتِكَ مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنِ نَنَائِهِمْ وَ تَبَجُّحِكَ بِاسْتِيفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ مَعْتَمِدًا

فَصَلِّ قَوْلَهُمْ بِمَا ذَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ وَالثِّقَةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرَفَقَكَ بِهِمْ فَرَمَّا حَدَّثَ مِنَ الْأُمُورِ مَا إِذَا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ احْتِمَالِهِ طَبِئَةً أَنْفُسَهُمْ بِهِ فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ وَإِنَّمَا يُؤْتِي خِرَابَ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَارِ أَهْلِهَا وَإِنَّمَا يُعْوِزُ أَهْلَهَا لِإِسْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ وَسَوْءِ ظَنِّهِمْ بِالْبِقَاءِ وَقَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ ثُمَّ أَنْظِرْ فِي حَالِ كِتَابِكَ قَوْلَ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ وَأَخْصِصْ رِسَائِلَكَ الَّتِي تَدْخُلُ فِيهَا مَكَائِدُكَ وَأَسْرَارُكَ بِأَجْمَعِهِمْ لِيُوجِوهَ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ مَنْ لَا تُبْطِرُهُ الْكِرَامَةَ فَيَجْتَرِي بِهَا عَلَيْكَ فِي خِلَافِ لِكَ بَحْضَرَةَ مَلَا وَلَا تَقْصُرْ بِهِ الْعَقْلَةَ عَنْ إِبْرَادِ مَكَاتِبَاتِ عَمَالِكَ عَلَيْكَ وَإِضَارِ جَوَابَاتِهَا عَلَى الصُّوَابِ عِنْدَكَ فِيمَا يَأْخُذُ لَكَ وَيُعْطِي مِنْكَ وَلَا يَضْعِيفُ عَقْدًا اعْتَقَدَهُ لَكَ وَلَا يَعْجِزُ عَنْ إِطْلَاقِ مَا عَقَدَ عَلَيْكَ وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ يَقْدِرُ نَفْسَهُ يَكُونُ يَقْدِرُ غَيْرَهُ أَجْهَلُ ثُمَّ لَا يَكُنْ إِخْتِيَارُكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَاسْتِنَامَتِكَ وَحُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرَّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوَلَاةِ بِنَصْنَعِهِمْ وَحُسْنِ خِدْمَتِهِمْ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَالْأَمَانَةِ شَيْءٌ وَلَكِنْ اخْتِيَابُهُمْ بِمَا وُلُوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ فَأَعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَمَا فِي الْعَامَّةِ أَثَرًا وَاعْرِضْهُمْ بِالْأَمَانَةِ وَجْهًا فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ وَلِئِنْ وُلِّيتَ أَمْرَهُ وَاجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ لَا يَقْهَرُهُ كِبَرُهَا وَلَا يَنْسِنَتْ عَلَيْهِ كَثِيرُهَا وَمَهْمَا كَانَ فِي كِتَابِكَ مِنْ عَيْبٍ فَتَعَابَيْتَ عَنْهُ أَلْزَمْتَهُ ثُمَّ اسْتَوْصُ بِالْتَّجَارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا الْقِيمِ مِنْهُمْ وَالْمُضْطَرِّبِ بِمَالِهِ وَالتَّرَفِّقِ بِدِينِهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَأَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَجَلَابِهَا مِنَ التَّيَاعُدِ وَالْمَطْرَاحِ فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ وَسَهْلِكَ وَجَبَلِكَ وَحَيْثُ لَا يَلْتَمِسُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَلَا يَجْتَرُونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سَلِمٌ لَا تَخَافُ بِأَثْقَتِهِ وَصَلِحٌ لَا تَخْشَى غَائِلَتَهُ وَتَفَقَّدُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَفِي حَوَاشِي بِلَادِكَ وَاعْلَمْ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْفًا فَاحِشًا وَشَحِيحًا قَبِيحًا وَاجْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَحِكْمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاغْنِ عَنْهُ مِنَ الْاجْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص مَنَعَ مِنْهُ وَلَيْكُنِ التَّبِيعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارًا لَا جَحْفَ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالتَّبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حِكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَانْكَرْ بِهِ وَعَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالتَّحَاجِّجِينَ وَاهْلِ الْبُؤْسَى وَالتَّزْمَنِي فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ وَ قِسْمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى وَكُلٌّ قَدْ اسْتَرْعَيْتَ حَقَّهُ وَلَا يَشْغَلِيكَ عَنْهُمْ بَطْرُ فَنَائِكَ لَا تَعْدُرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّافَةَ لِجُكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمَهْمِ فَلَا تَشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ وَلَا تَصْعَرْ خَدَّكَ لَهُمْ وَتَفَقَّدُ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعَيُونَ وَخَفَرُهُ الرَّجَالَ فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ ثَقَمَكَ مِنَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَاضُعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْدَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ فَإِنَّ هَؤُلَاءَ مِنْ بَيْنِ الرَّعِيَّةِ أَحْوَجُ إِلَى الْإِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَكُلٌّ فَاعْزِزْ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيبِهِ حَقَّهُ إِلَيْهِ وَتَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَذَوِي الرَّفْقَةِ فِي السِّنِّ مَنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَلَا يَنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ وَالحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ وَقَدْ بَخَفَمَهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَوَقَفُوا بِصِدْقِ مَوْعُودِ اللَّهِ لَهُمْ وَاجْعَلْ لِذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَجَلِّسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتَفْعُدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشَرَطَكَ حَتَّى يَكَلِّمَكَ مَتَكَلِّمَهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تَقْدِيرِ أُمَّةٍ لَا يَأْخُذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقَّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ ثُمَّ اجْتَمِعْ الْحُرْقَ مِنْهُمْ وَالعِيَّ وَنَحْ عَنْهُمْ الضُّيْقَ وَالْأَنْفَ بِسَيْطِ اللَّهِ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَبُوجِبَ لَكَ ثَوَابُ طَاعَتِهِ وَأَعْطَى مَا أَعْطَيْتَ هَيْبَتًا وَأَمْنَعُ فِي إِجْمَالِ وَإِعْدَارِ ثُمَّ أُمُورٌ مِنْ أُمُورِكَ لَا يَدَّ لَكَ مِنْ مَبَاشَرَتِهَا مِنْهَا إِجَابَةُ عَمَالِكَ بِمَا يَعْجَا عَنْهُ كِتَابُكَ وَمِنْهَا إِضَارَةُ حَاجَاتِ النَّاسِ يَوْمَ وَرُودِهَا عَلَيْكَ بِمَا خَرَجَ بِهِ صُدُورُ أَعْوَانِكَ وَأَمُضُ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلُهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ وَاجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ وَأَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ وَإِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَّحَتْ فِيهَا النَّبِيَّةُ وَسَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ وَلَيْكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تَخْلِصُ بِهِ لِلَّهِ دِينَكَ إِقَامَةَ فِرَاضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ فَأَعْطِ اللَّهُ مِنْ بَدَنِكَ فِي لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ وَوَفِّ مَا تَقَرَّبْتَ بِهِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ كَامِلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَلَا مَنَقُوصٍ بِالْغَا مِنْ بَدَنِكَ مَا يَلِغُ وَإِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ فَلَا تَكُونَنَّ مُنْضَرًّا وَلَا مُضْبِعًا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلَّةُ وَلَهُ الْحَاجَةُ وَقَدْ سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص حِينَ وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أَصْلِي بِهِمْ فَقَالَ صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أضعْفِهِمْ وَكُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا وَمَا بَعْدَ فَلَا تَطُولَنَّ اجْتِنَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ اجْتِنَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضُّيْقِ وَقَلَّةٌ عِلْمٌ بِالْأُمُورِ وَاجْتِنَابُ مِنْهُمْ يَمْتَعُ عَنْهُمْ عِلْمٌ مَا اجْتَنَبُوا دُونَهُ فَيَصْغُرُ عِنْدَهُمُ الْكَبِيرُ وَيَعْظُمُ الصَّغِيرُ وَيَقْبِحُ الْحَسَنُ وَيَحْسَنُ الْقَبِيحُ وَيَشَابُ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَإِنَّمَا الْوَالِي بِشَرِّ مَا يَعْرِفُ مَا تَوَارَى عَنْهُ النَّاسُ بِهِ مِنَ الْأُمُورِ وَلَيْسَتْ عَلَى الْحَقِّ سِمَاتٌ تُعْرِفُ بِهَا ضُرُوبُ الصَّدَقِ مِنَ الْكُذْبِ وَإِنَّمَا أَنْتَ أَحَدُ رَجُلَيْنِ إِذَا أَمْرٌ سَخَتْ نَفْسُكَ بِالْبَدَلِ فِي الْحَقِّ فِيمِ اجْتِنَابِكَ مِنْ وَاجِبِ حَقِّ تَعْطِيهِ أَوْ فِعْلِ كَرِيمِ تَسْديهِ أَوْ مَبْتَلَى بِالْمَنَعِ فَمَا أَسْرَعَ كَفَّ النَّاسُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ إِذَا أَيْسَأُوا مِنْ بَدَلِكَ مَعَ أَنَّ أَكْثَرَ حَاجَاتِ النَّاسِ إِلَيْكَ بِمَا لَا مَثُونَةَ فِيهِ عَلَيْكَ مِنْ شِكَاةٍ مَظْلَمَةٍ أَوْ طَلَبِ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبَطَانَةَ فِيهِمْ اسْتِثْنَاءً وَتَطَاوُلَ وَقَلَّةَ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ فَاحْسِبْ مَادَّةَ أَوْلِيكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ وَلَا تَقْطِيعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِيَتِكَ وَحَامَتِكَ قَطِيعَةً وَلَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اعْتِقَادِ عَقْدَةٍ تَضُرُّ مَنْ يَلِيهَا مِنَ النَّاسِ فِي شَرِّبٍ أَوْ عَمَلٍ مُشْتَرَكٍ يَحْمِلُونَ مَثُونَةَ عَلَى غَيْرِهِمْ فَيَكُونُ مَهْنًا ذَلِكَ لَهُمْ دُونَكَ وَعَيْبُهُ عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَالأخِرَةِ وَالتَّزِمِ الْحَقَّ مِنْ لَزْمِهِ مِنَ الْقَرِيبِ وَالتَّبَعِيدِ وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَأَفْعَا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَخَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ وَابْتِغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَنْقُلُ عَلَيْكَ مِنْهُ فَإِنَّ مَعْبَةَ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأُضْجِرْ لَهُمْ بِعَدْرِكَ وَاعْدِلْ عَنكَ ظَنُونَهُمْ بِاصْحَارِكَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَرَفَقًا بِرَعِيَّتِكَ وَإِعْدَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيهِمْ عَلَى الْحَقِّ وَلَا

تَدْفَعَنَّ صُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ اللَّهُ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَا لْجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ وَ لَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارِبٌ لِيَتَعَمَّلَ فَخِذَ بِالْحَزْمِ وَ اتَّهَمَ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ وَ إِنْ عَمَدَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَهْدَةٌ أَوْ أَلْبَسَتْهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحَطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَ إِنْ عَدَمْتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فِرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَبِثَ أَرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْعَدْرِ فَلَا تَعْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَ لَا تَخَيِّسَنَّ بَعْدِيكَ وَ لَا تَخْتَلِنَنَّ عَدُوُّكَ فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ أَمْنًا أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ وَ حَرَمًا يَسْكُنُونَ إِلَى مَنَعَتِهِ وَ يَسْتَفِيضُونَ إِلَى جِوَارِهِ فَلَا إِدْغَالَ وَ لَا مَدَالِسَةَ وَ لَا خِيَدَاعَ فِيهِ وَ لَا تَعْفُدَ عَقْدًا جُوزَ فِيهِ الْعِلَلُ وَ لَا تَعْوَلَنَّ عَلَى لِحْنِ قَوْلٍ بَعْدَ التَّكْيِيدِ وَ التَّوْتُؤْفَةِ وَ لَا يَدْعُونَكَ ضَيْقُ أَمْرٍ لَزِمَكَ فِيهِ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى طَلِبِ انْفِسَاحِهِ بِغَيْرِ الْحَقِّ فَإِنَّ صَبْرَكَ عَلَى ضَيْقِ أَمْرٍ تَرْجُو انْفِرَاجَهُ وَ فَضْلَ عَاقِبَتِهِ خَيْرٌ مِنْ عَدْرِ تَخَافَ تَبِعْتَهُ وَ أَنْ خِيَطَ بِكَ مِنَ اللَّهِ فِيهِ طَلِبَةٌ لَا تَسْتَقْبِلُ فِيهَا دُنْيَاكَ وَ لَا آخِرَتَكَ إِيَّاكَ وَ الدِّمَاءَ وَ سَفْكَهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ وَ لَا أَكْثَرَ لَتَبِعَةٍ وَ لَا آخِرَى بِزَوَالِ نِعْمَةٍ وَ انْقِطَاعِ مَدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الدِّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُتَبَيِّنٌ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدِّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا تَقْوِينَ سُلْطَانِكَ بِسَفْكِ دَمٍ حَرَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مَّا يَضَعُهُ وَ يُوْهِنُهُ بَلْ يَرْبِطُهُ وَ يَنْقُلُهُ وَ لَا عُدْرَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَا عُنْدِي فِي قِتْلِ الْعَمِدِ لِأَنَّ فِيهِ قَوْدَ الْبَدَنِ وَ إِنْ أُتْبِلْتِ بِخَطَاٍ وَ أَفْرَطَ عَلَيْكَ سَوْطُكَ أَوْ سَيْفُكَ أَوْ يَدُكَ بِالْعُقُوبَةِ فَإِنَّ فِي الْوَكْرَةِ فَمَا فَوْقَهَا مَقْتَلَةٌ فَلَا تَطْمَحَنَّ بِكَ نَخْوَةَ سُلْطَانِكَ عَنْ أَنْ تُوْدِيَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمُقْتُولِ حَقَّهُمْ وَ إِيَّاكَ وَ الْإِعْجَابِ بِنَفْسِكَ وَ الثَّمَةِ بِمَا يَعْجَبُكَ مِنْهَا وَ حَبِّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثُقِ فَرَسِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ وَ إِيَّاكَ وَ الْمَنَ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ أَوْ التَّرْيِيدِ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ أَوْ أَنْ يَتَعَدَّهِمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ فَإِنَّ الْمَنَ يَبْطُلُ الْإِحْسَانَ وَ التَّرْيِيدُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَ الْخُلْفُ يُوجِبُ الْمَقْتِ عِنْدَ اللَّهِ وَ النَّاسُ قَالُوا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ وَ إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْكِانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرْتَ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحْتَ فَضَعْ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْفَعْ كُلُّ أَمْرٍ مَوْفِعَهُ وَ إِيَّاكَ وَ الْإِسْتِنْتَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ وَ التَّغَابِي عَمَّا تَعْنَى بِهِ مَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَإِنَّهُ مَأْخُودٌ مِنْكَ لِعَيْبِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٌ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْطِيَةَ الْأُمُورِ وَ يَنْتَصِفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ أَمْلُكَ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ وَ سُورَةَ حَدِّكَ وَ سَطْوَةَ يَدِكَ وَ غَرْبَ لِسَانِكَ وَ احْتِرْسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَيْفِ الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِرِ السَّطْوَةَ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَ لَنْ حُكْمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تَكْتَبِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ وَ الْوَاجِبَ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِنَ تَقْدَمَكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ أَوْ أَمْرٍ عَنِ نَبِيِّنَا ص أَوْ فَرِيضَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَقْتَدِيَ بِمَا شَاهَدَتْ بِمَا عَمَلْنَا بِهِ فِيهَا وَ جِتْهَدَ لِنَفْسِكَ فِي اتِّبَاعِ مَا عَهَدْتُ إِلَيْكَ فِي عَهْدِي هَذَا وَ اسْتَوْثَقْتُ بِهِ مِنَ الْحِجَّةِ لِنَفْسِي عَلَيْكَ لِكَيْلَا تَكُونَ لَكَ عِلَّةٌ عِنْدَ تَسْرِعِ نَفْسِكَ إِلَى هَوَاهَا وَ أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَى إِعْطَاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ أَنْ يُوَفِّقَنِي وَ إِيَّاكَ لِمَا فِيهِ رِضَاهُ مِنَ الْإِقَامَةِ عَلَى الْعَدْرِ الْوَاضِحِ إِلَيْهِ وَ إِلَى خَلْقِهِ مَعَ حُسْنِ الثَّنَاءِ فِي الْعِبَادِ وَ جَمِيلِ الْأَثَرِ فِي الْبِلَادِ وَ تَمَامِ النِّعْمَةِ وَ تَضْعِيفِ الْكِرَامَةِ وَ أَنْ يَخْتِمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ السَّلَامُ

بخش دوم: بازآفرینی منشور علوی در کشور داری

نامه حضرت امیرالمؤمنین، علی(ع) به مالک اشتر، آن گاه که او را به فرمانروایی مصر گسیل میکرد، منشور خدمتگزاری و آییننامه کشورداری از دیدگاه اسلامی است که آن حضرت مظهر و نماینده آن بوده و هست. این فرمان راهگشا، اینک پس از قرنهای حجاب و فاصله، در گفتار و رفتار و شیوه و کردار نصابالعین دولت خدمتگزار در افق انقلاب اسلامی و احیای ارزشها و آرمانهای آن گردیده، گواینکه رئیسجمهوری اسلامی ایران برنامهای خود را در سفر و حضر با آن هماهنگ و همخوان نموده است. به سخنی دیگر، با توجه به کثرت ارجاعات به سیره عملی حضرت امیر(ع) و تلاش ایشان برای التزام عملی به آییننامه کشور داری علوی، میتوان او را شاگرد درسآموز مکتب علی(ع) دانست. گو اینکه دغدغه ایشان در خواهش متممقانه توصیهها و ابلاغهای حکومتی خود حضرت امیر(ع) به مالک در عصر تغلب مدلهای لیبرالی دولتها خود مؤید توجه دولت اسلامی به منشور کارگزاری علوی در مقطع کنونی است. لذا در ابتدا سیمای ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین(ع) را در گفتارهای رئیس جمهور ترسیم مینماییم و سپس همراه با دیدگاهها و مبانی اندیشههای وی، به خوانش و تعمقی دوباره در نهجالبلاغه میپردازیم؛

امیرمؤمنان، علی(ع) در گفتارهای رئیس جمهور
 «ما مسئولتر از امام علی(ع) و شرایطی سختتر از دوران امیرالمؤمنین در تاریخ سراغ نداریم. شما میدانید چطور با صبر، حوصله و خودخوری این رسالت مهم را به انجام رساند. ... اگر امیرالمؤمنین نبود، اسلامی برپا نمیشد، چرا که یار، برادر، همراه و ناصر پیوسته پیامبر بود. در صحنهای سنگین خطر ایستاد. روز بدر و خندق را مدیریت کرد. همه داستان خندق را میدانیم. مدعیان در آن پشت میلرزیدند و با منافقین پیوند برقرار کرده بودند و منتظر بودند که جبهه حق شکست بخورد و آنها به جهال و متعصبین مکه پیوندند. یک تنه در قامت همه اسلام در مقابل همه کفر ایستاد. کسی که جای پیامبر خواهید. ذهنمان را ببریم به محیط خشن و پر از خفقان و جهل آن روزگار. سران قبایل وقتی تصمیم بگیرند، دیگر ردخور ندارد و هیچ کس نمیتواند در مقابل این تصمیم اعتراض کند. تصمیم میگیرند که پیامبر را در منزل به شهادت برسانند. امام به جای پیامبر میخوابد و این والاترین نقطه و قله ایثار برای اسلام است.

کسی که وقتی رو به روی خدا میایستد و میخواهد نماز بخواند، از همه دنیا منقطع میشود. میگویند این خار را وقتی در حال نماز است، از پای ایشان بیرون بیاورید، چون چیزی از دنیا متوجه نمیشود. امامی که همه عالم در دستش است، به او میگویند مگر نماز هم میخوانده است؟ خیلی سخت است که امام بالای منبر برود و بگوید مردم! از آسمانها و زمین بپرسید تا من راههای آسمانها را به شما نشان بدهم. بعد یک خشکه مقدس نفهم به جای آنکه از آن اقیانوس علم و رحمت استفاده کند، میگوید: مثلاً موهای ریش من چندتاست؟ چقدر سخت است که یک روح آسمانی بخواهد در یک جسم خاکی جا شود. الان در زندگی خودمان، یک عالم نمیتواند با جاهلها زندگی کند... حضرت علی(ع) با اینها ۳۰ سال بعد از پیامبر مواجه بود... بعد از ۲۵ سال که تازه بنا شد عدالت را برپا کند و اسلام ناب را جاری کند، چه کردند؟ حضرت علی(ع) مظهر و تجلی غیرت الهی است. جلو چشمانش با همسرش چه کردند؟ حضرت راحت شد. بیایند به امام بگویند یاالله حکمیت را بپذیر. بابا! من امام، معصوم و نایب پیامبر هستم، من از ناحیه خدا منصوبم. من محور حقم. میگویند نه خیر، باید بپذیری. بعد که میپذیرد، همانها میگویند چرا بپذیرفتی؟

اگر سختیها و مرارتهای امام علی(ع) را فهرست کنیم، بینظیر است؛ یعنی اگر به زندگی پیامبران برویم و یکی یکی سختیهای آنان را ردیف کنیم و همه آنها را جمع بزنیم، به اندازه یک روز تحمل امیرالمؤمنین نمیشود. شاید وجه دیگرش این باشد که لحظه ضربت خوردن لحظه وصول به حق است. آنجاست که دیگر از این دنیا خلاص و در محضر الهی حاضر میشود، پیوستن به خدا به طور کامل؛ فزت برب الکعبه. امام مأموریتش را خوب انجام داد. امانت را به خوبی نگهداری کرد و از طریق فرزندان به ما رساند... الان شما بعد از ۱۴۰۰ سال دربه در میگردید که در فلان موضوع فرمان علی(ع) چیست؟

عزیران من، عدالت محور جامعه علوی است. اصلاً امیرالمؤمنین به خاطر عدالت شهید شد؛ قتل فی محراب عباد

لشد عدله»^۲

شیاطین فاسد و قلدرها در طول تاریخ مانع توجه ملتها به شخصیت امیرالمؤمنین بوده‌اند و ما متأسفیم که امروز زورگویان عالم در مقابل این ارزشها ایستاده‌اند.^۳

۱. عدالت

امیرمؤمنان علی (ع) در گفتارهای رئیس جمهور، نماد و مظهر مجسم عدالت است. گویا به تاسی از همین خصیصه آن بزرگوار همه قرون و اعصار بود که آقای احمدینژاد، عدالت محوری را به عنوان اصلترین شعار انتخاباتی خود و نیز مهمترین مباحث قابل طرح در مجامع و دیدارها و ... برگزید. واژه عدالت و دیگر مشتقات آن بیش از هفتاد و هفت بار در نهج‌البلاغه آمده و در قاموس اندیشه‌های حضرت امیر، جایگاه ویژه و والایی دارد، از جمله:

- **واشهدا انه عدلٌ** (گواهی میدهم که خدا عدل است و دادگر)

- **العدل یضع الامور مواضعها ... العدل سائنس عام و الوجود عارض خاص. فالعدل اشرفها و افضلها** (عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل میشود، پس عدالت شریفتر و برتر است).

اما در نامه علی (ع) به مالک اشتر، عدالت جلوه‌های متعددی دارد: او میفرماید:

(مردم دو دسته‌اند: یا برادرانت در دین یا همنوعانت در آفرینش). حضرت با این تقسیم‌بندی به مالک توصیه میکند که به همه افراد جامعه با نگاهی مساوی بنگرد و حقوق آنان را بدون هیچ گونه تبعیضی به آنان واگذارد.

حضرت در جایی دیگر از این نامه میفرماید:

Ø

در بخش دیگری از این نامه آمده است.

Ø

Ø

در جای دیگر آمده است.

البعد (همیشه حق و عدالت را اگر چه بر نزدیک و دور باشد، اجرا کن)

اینک با توجه به آنچه درباره عدالت مورد نظر علی (ع) در این نامه گفته شد، به بررسی دیدگاه رئیس دولت خدمتگزار در این زمینه میپردازیم:

مولای ما امیرالمؤمنین برای چه شهادت شد؟ لشد عدله. میخواست عدالت را پیاده کند. آقا برای چه اضافه بردی؟ به چه حقی بردی؟ باید برگردانی. فرمود اگر به کابین زنها هم برده باشید، باید برگردانید.^۴

چنانکه ملاحظه شد، حضرت امیر در این نامه بیش از هر موضوع دیگری بر رعایت عدالت و انصاف و پرهیز از تبعیض تأکید فرموده‌اند. حجم مطالب ایراد شده از سوی دکتر احمدینژاد درباره عدالت نیز نسبت به دیگر موضوعات بسیار بیشتر است. میتوان گفت نادر اجتماع یا دیدار یا جلسهای است که رئیس‌جمهور در آن سخن بگوید و از عدالت صحبتی به میان نیاید.

فصلا

اسلامی و محور همه تصمیمگیریها، فعالیتها و برنامههاست. عدالت یعنی اینکه همه کشور با هم ساخته بشوند و در این راستا، عدالت در توزیع امکانات و فرصتها، تخصیص منابع برای مناطق مختلف به نسبت محرومیتها، استعدادها و ظرفیتها، رفع فقر و مبارزه با تبعیض و فساد در سازمان اداری سرلوحه اقدامات دولت خواهد بود.

ایشان معتقد است که «اجرای عدالت دو لازمه و شرط دارد، اولاً باید به دست مردم انجام بشود. به عبارتی، مردم مطالبه عدالت را باید سرفصل و سرلوحه همه وظایف و فعالیتهاشان قرار بدهند، یعنی باید به جایی برسیم که همه ملت ما یکپارچه فریاد بزند: «عدالت». دوم هشیاری و حضور مردم در صحنه. انسانهای پرخواه، خودخواه، سیریناپذیر و متخلف از اجرای عدالت وحشت دارند. اینها از آنجا که صاحب امکانات، بلندگو و نفوذند، با سازمان یافتگی، هماهنگی و پیچیدگی در مقابل اجرای عدالت میایستند... جوانان و مردم باید برای استقرار عدالت همت کنند و هرجا نشانی از بیعدالتی دیدند، چنان فریاد بزنند که من احمدینژاد فریاد شما را در تهران بشنوم»^۵

اما تعریف عدالت از منظر آقای احمدینژاد در حوزه اجرا و کارگزاری یعنی توزیع عادلانه منابع و فرصتها در همه مناطق کشور و برای همه آحاد ملت ایران؛ یعنی هر جوانی در هر کجای کشور از فرصتهای یکسان برای

۳ دیدار با مردم مسجدسلیمان - ۱۳۸۵/۱۰/۱۵

۴ همایش سالانه انجمن نخبگان - ۱۳۸۵/۸/۲۹

۵ دیدار با مردم میناب - ۱۳۸۴/۱۰/۲۲

شکوفایی استعدادهايش برخوردار باشد، اجرای عدالت یعنی همه جای کشور با هم و هماهنگ پیشرفت کند. اجرای عدالت یعنی بستن راه در مقابل کسانی که با اتصال به قدرت، باند، گروه و جناح فرصتهای بیشتری را در اختیار میگیرند.^۶

البته اجرای عدالت جزء سختترین مراحل ساختن جامعه اسلامی است. افرادی هستند که در دوره مبارزه و خوشی در کنار ملتاند و حتی شعارهای بسیار تند هم میدهند، اما وقتی زمان اجرای عدالت میرسد، اجرای عدالت بر آنها سخت است و مقاومت و کارشکنی میکنند. کسانی که عادت کردهاند از بیتالمال امتیازات ویژه و فرصتهای استثنایی بگیرند، وقتی پای عدالت در میان میآید، ناراحت میشوند و مقاومت میکنند و سعی میکنند جلو اجرای عدالت را بگیرند.^۷ از دیدگاه رئیس جمهور در کشورداری عدالت گرایانه، عدالت جلوههای متفاوت و مقتضای حال و مقام خود را دارد. برخی از این جلوهها بدین قرار است:

۱. توزیع مناسب و عادلانه منابع، ثروت، فرصتها و امکانات کشور؛
 ۲. رفع مشکلات و اصطلاح عقب افتادگیهای تاریخی برخی از مناطق کشور؛
 ۳. ایجاد فرصتهای برابر برای رشد و شکوفایی استعدادها؛
 ۴. مبارزه با فساد و تبعیض؛
 ۵. حمایت از مستضعفان و مظلومان (کسانی که دستشان به جایی نمیرسد و صدای بلندی ندارند که به گوش مسئولین و تصمیمگیران برسد).
 ۶. اولویتگذاری در برخوردها؛
 ۷. مبارزه با کسانی که با استفاده از نفوذ و منتفدین فساد میکنند.
- بنابر آنچه گفته شد، علل بیعدالتی عبارتند از:
۱. رویکردهای یعنی جهتگیریهای اقتصادی و برنامههای؛
 ۲. عدم تخصیص مناسب منابع و حمایتهای دولتی؛
 ۳. سود بانکی بالا؛
 ۴. تمرکز در تهران و برخی کلانشهرها؛
 ۵. هزینههای مصرفی بالای دولت؛
 ۶. برخی عملکردهای غلط و غیرقانونی؛
 ۷. برخی امتیازجوییها و رانتخواریهای ویژه.^۸

وی معتقد است که ما امروز نیازمند حرکت عمومی برای اجرای عدالتیم؛ عدالت در اقتصاد، اجتماع، سیاست و قضا. در عمل هم ایشان رویکردی عدالت محور به همه جای ایران اسلامی دارند و بارها در مجامع گوناگون تأکید نمودهاند که عدالت یعنی اینکه جوان مثلاً بوشهری همان اندازه از امکانات برخوردار باشد که جوان تهرانی و اصفهانی و ... وی حتی در دیدارهای عمومی تلاش میکند نگاهش را نیز عادلانه بین جماعت مستقبل تقسیم و توزیع میکند. یکی از اقدامات دولت برای اجرای عدالت، تخصیص سهام عدالت به اقشار نیازمند بود. «دولت از این به بعد هم تصمیم گرفته است شرکتها، کارخانجات، مزارع و صنایع مرتبط با دولت را به صورت سهام عدالت بین همه ملت ایران توزیع کند. به عنوان نمونه و آزمایش از چهار استان شروع کردهایم و انشاءالله به زودی سهام عدالت را در همه کشور و بین همه ملت ایران توزیع خواهیم کرد.»^۹

در عرصه جهانی نیز وی بیعدالتی را ریشه مشکلات امروز دنیا میداند و میگوید: «رفع کینهها، جنگها و عداوتها جز با برقراری عدالت امکانپذیر نیست. آن چیزی که دههای ملتها را به هم نزدیک میکند، عدالت است. امروز متأسفانه در کل جهان فضایی از بیاعتمادی حاکم است. برای ایجاد اعتماد باید همگان به عدالت پایبند باشیم؛ عدالتی که عشق به انسانها، ملتها و هموعان را در دل انسان زنده میکند.»^{۱۰}

«ما معتقدیم عدالت معیار حل و فصل مسائل جهانی است. عدالت پایه صلح و امنیت در جهان است. اگر عدالت

۶ دیدار با دانشجویان دانشگاه بیرجند - ۱۳۸۴/۸/۱۹

۷ دیدار با مردم بهار - ۱۳۸۴/۴/۱

۸ مراسم رأی اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی - ۱۳۸۴/۵/۳۰

۹ دیدار با مردم خرم آباد - ۸۴/۱۲/۱۷

۱۰ دیدار با سفرای کشورهای خارجی - ۱۳۸۴/۱۲/۲۴

سازندگی و افتخار هست و هر جا که مردم نیستند، ولو دولت با همه توان حضور داشته باشد، پیشرفتی اتفاق نمیافتد.»

۲۲

اما خدمتگزاری به مردم به عنوان یکی دیگر از شعارهای اساسی دولت نهم، همواره مورد تأکید ریاست محترم جمهوری قرار گرفته است. ایشان برآنند که دولت، دولتمردان و مسئولین هیچ شأنی جز خدمت رسانی و خدمتگزاری به مردم ندارند. مدیران، استانداران، فرمانداران، رئیسجمهور، معاون و همه و همه به آن اندازه محترم و عزیزند که خدمتگزار باشند. کسانی که به دنبال این هستند که تافته جدابافتهای از مردم باشند، در این دولت راهی ندارند و متعلق به دولت مردمی و عدالت محور نیستند. در این دولت اولویت رسیدگی به مناطق محروم، دور افتاده و کسانی است که بیش از دیگران زحمت میکشند و تولید و خدمت میکنند.^{۲۳}

ما واقعاً به متن مردم اعتماد کامل داریم. اصلاً معنا ندارد، ما که هستیم که بخواهیم به مردم اعتماد نکنیم؟^{۲۴} در سفر به یکی از استانها، یکی از جانبازان از قطع شدن گاز منزلش، آن هم در موقعی که برای مداوا به بیمارستان رفته بود، شکایت کرد و آقای احمدینژاد گفت: «من به استاندار دستور دادم که شخصاً موضوع را بررسی کند تا معلوم شود آیا مسئول اداره گاز میدانسته که در آن خانه جانبازی زندگی میکند و اقدام به قطع گاز کرده است، یا خیر. اگر به این امر واقف بوده و گاز را قطع کرده، چنین فردی صلاحیت نشستن بر مصدر امور زندگی مردم و به ویژه جانبازان و خانوادههای شهدا را نخواهد داشت.»

آقای احمدینژاد در جایی دیگر خدمتگزاری را مهمترین وظیفه دولت و مقوم دو اصل عدالت و مهرورزی میداند و میگوید: «با خدمتگزاری هم عدالت محقق میشود و هم مهرورزی توسعه مییابد. امروز دغدغه معیشت، میزان درآمد و دغدغه اشتغال از مهمترین مشکلات مردم است.»^{۲۵} اولویتهای خدمتگزاری در دیدگاه ایشان عبارتند از: خدمت رسانی به طبقات محروم (از کارافتادگان، زنان سرپرست خانوار، خانوادههای تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی، بازنشستگان و ...) مناطق مرزی و وضعیت شهرهای بزرگ و ...^{۲۶}

رئیسجمهور بارها در سفرهای استانی متذکر شدهاند که: «بدانید مسئولین هیچ شأن و جایگاهی جز خدمتگزاری به شما ندارند. بنده احمدینژاد به عنوان رئیسجمهور، هیچ شأنی جز نوکری شما مردم عزیز ندارم.»^{۲۷} یا «مسئولی که کار نمیکنند، متعلق به دولت احمدینژاد نیست و ...»

«بارها عرض کردهام که هر جا توانستید خدمت کنید و گره از کار مردم باز کنید. نگاه نکنید این کیست، چیست، چه لباسی دارد، چه قیافهای دارد، چه حرفی میزند، داد میزند یا آرام حرف میزند.»^{۲۸}

۴. تعالی و پیشرفت مادی و معنوی کشور

حضرت علی (ع) وظایف مالک را در حوزه استانداری، جمعآوری خراج، جهاد با دشمنان، ایجاد صلح و سامان در اهل آن و عمران شهرهای آن میداند و این به معنای پیشرفت همه جانبه جامعه روزگار امیرمؤمنان علی (ع) است. گذشته از آن، وجه دستوری عبارات این نامه از ایدهاال و آرمان مطلوب امام علی (ع) حکایت میکند. این چهار اصل استوار، جامعه آن روزگار را به سوی تعالی و پیشرفت سوق میداد.

تمامی تصمیمات انقلابی، مجاهدتها و تلاش بیوقفه دولت کنونی نیز در چشمانداز آرمان «تعالی و پیشرفت مادی و معنوی کشور» جاری گردیده است. لحن التزامی سخنان و عبارات رئیسجمهور نیز در بستر چنین الگویی قابل تحقق است. عباراتی نظیر «ما باید کشورمان را بسازیم»، «میشود و میتوان» و ... از امهات این خواست تاریخی است.

ایشان در مجلس شورای اسلامی به صراحت میگوید: جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه قوی فرهنگی، تاریخی و تمدنی خود و با اتکا به مردم شریف و نجبگان و اندیشمندان و دلسوزان باید نقش پیشتازی در احیای تمدن اسلامی و ارتقا و

۲۲ دیدار با منتخبین استان هرمزگان - ۱۳۸۴/۱۰/۲۱

۲۳ دیدار با مردم سراوان - ۱۳۸۴/۸/۱۹

۲۴ دیدار با اعضای اتاق بازرگانی - ۱۳۸۴/۱۲/۱۵

۲۵ پیش از رأی مجلس اعتماد به وزرای پیشنهادی - ۱۳۸۴/۵/۳۰

۲۶ همان

۲۷ ۱۳۸۴/۱۱/۱۲

۲۸ گردهمایی رؤسای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۱۳۸۴/۱۲/۲۲

تعالی آن ایفا نماید و موانع وحدت و انسجام جهان اسلام را از پیش پا بردارد. بر همین اساس، اصل تعالی و پیشرفت معنوی و مادی همه جانبه باید موجب افقهای بلند و روشن شود و همه تلاشها به سمت دستیابی به آن هدایت شود.^{۲۹}

«بالآخره تعالی ایران عزیز برای ما یک اصل تغییر ناپذیر است. ایران باید به قللها برسد. گر چه ما دوست داریم همه ملتها به قللها برسند. یعنی منحصر در خودمان نمیدانیم، اما برای ایران یک مسئولیت ویژه داریم و آن تعالی ایران اسلامی است.»^{۳۰}

خلاصه اینکه اگر در روزگار حضرت امیر مؤمنان چهار اصل «جمعآوری خراج»، «جهاد با دشمنان»، «ایجاد صلح و سامان» و «عمران شهرها» مسیر را برای پیشرفت جامعه هموار میکرد، در مقطع کنونی با توجه به مقتضیات روزگار و احوال زمانه، «مهرورزی»، «عدالت محوری»، «خدمت به بندگان خدا» و «تعالی و پیشرفت مادی و معنوی کشور» جامعه را در مسیر پیشرفت، تعالی و سعادت قرار خواهد داد. اینک و در ادامه این نوشتار به برخی از درس آموزیهای رئیس جمهور از حضرت امیر(ع) اشاره میشود:

۱. آن حضرت در آغاز نامه به مالک، خود را عبدالله مینامد و از یاد نمیبرد که بنده خداست. او همچنین سروری را در سایه همین بندگی میجوید. به نظر میرسد رهآموز کنونی مکتب آن امام عظیمالشأن در مقام کارگزاری ملت مسلمان ایران نیز همواره به مناسبتهای گوناگون و به ویژه در عرصه سیاست خارجی و در چالش با قدرتهای بزرگ، از لسان قرآن، گوشزد نموده که:

- ان اعبدوا الله (برگردید به عبودیت و پرستش خدا)^{۳۱}

- هوالقاهر فوق عباده : خدا قاهر است؛ بالای سر همه بندگان^{۳۲}

- ان اعبدونى هذا صراط المستقيم^{۳۳} و ...

وی همچنین به مناسبتهای مختلف و در دیدارهای گوناگون، درسهایی را از مکتب پیامبر اعظم - به ویژه در سالی که به نام آن بزرگوار مزین شده - یادآوری میکند:

«اولین درسی که پیامبر به ما میدهد، درس بندگی و اخلاص است...»

پیامبری که فرمود: انى امرت ان اعبد الله مخلصاً له دینی؛ من مأمور شدهام که خدا را بپرستم^{۳۴}

۲. امره بتقوى الله

«خداوند فرمود: تعاونوا علیالبر و التّقوی؛ در تقوا و کار نیک، یار هم باشید و همدیگر را در تقوی و کار نیک یاری کنید... مولی امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: من را با تقوی کمک کنید. اعینونی بورع و الاجتهاد^{۳۵}، هر کس که میخواهد امام را یاری کند، باید جهتش نیکی و تقوا و مجاهدت باشد.»^{۳۶}

۳. عمار بلادها

عمران و آباد کردن شهرهای مصر، یکی از مسئولیتهای مالک بود. رئیس جمهور، نیز فرمان آبادانی آن امام همام را جزو وظایف پیوسته حاکمان و مدیران دولت اسلامی میشمرد و این عهد تاریخی را از زمانه مالک اشتر تا اکنون ساری و جاری میدانند. لذا بدون استثنا در دیدار با مردم همه شهرهای ایران بر این جمله تأکید دارد که: «ما مأموریت داریم ایران، همه ایران را بسازیم.»

۴. و اتباع ما امر به فی کتابه ...

«امروز سند مشترک و نور واحدی که همه امت اسلام به آن متمسک میشوند، قرآن کریم است. قرآن کریم سند جاودانه و معجزه همیشگی و منبع نورانی و خاموش نشدنی و پایان ناپذیر جهان اسلام است.»^{۳۷}

۲۹ پیش از رأی اعتماد مجلس به وزرا پیشنهادی ۱۳۸۴/۵/۳۰

۳۰ همان

۳۱ دیدار با رایزنان فرهنگی - ۱۳۸۵/۱۲/۱۶

۳۲ دیدار با مردم طبس - ۱۳۸۵/۱۲/۲۵

۳۳ دیدار با مردم آذرشهر - ۱۳۸۵/۴/۲۰

۳۴ دیدار با منتخبین خراسان شمالی - ۱۳۸۵/۵/۱۱

۳۵ نهج البلاغه - نامه ۴۵

۳۶ دیدار با مردم کلبر - ۱۳۸۵/۴/۲۱

۳۷ افتتاح مسابقات بینالمللی حفظ و قرائت قرآن کریم - ۱۳۸۴/۷/۱۵

«قرآن برنامه و دستورالعمل برپایی جامعه وسط است.»^{۳۸}

۵. فاملك هواك و شح بنفسك عمالايحل لك ...

«آنان كه از تبعيت هواي نفس خود اجتناب كرده‌اند و به اطاعت خدا روي آورده‌اند، كساني كه از تبعيت شيطان سر پيچيده‌اند و به خدا روي آورده‌اند، كساني كه به خواست قدرتهاي بزرگ پاسخ منفي داده‌اند و تسليم امر خدا گشته‌اند، آنان هدايت يافتگان، سعادت‌مندان و موحداناند و مشمول لطف و رحمت ابدي خداوند» [ديدار با مردم تكاب - ۱۳۸۵/۶/۱۱]

۶. وان ينصر الله سبحانه بقلبه و يديه و لسانه فانه - جل اسمه - قد تكفل بنصر من نصره و اعزاز من اعزه:

«مؤمنان هيچگاه ضرر نميكنند، چون كه در ايمان خود محكم و استوارند و خداوند هم به آنان كمك ميكند. ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامكم. كساني كه در مسير الهي حركت ميكنند، خدا هم ايشان را ياري ميكند»^{۳۹}

۷. اولئك اخف عليك موونه و احسن لك معو و احنى عليك عطفاً و اقل لغيرك الفا فاتخذ اولئك خاصه لخلواتك و حفلاتك ثم ليكن آثرهم عندك اقولهم بمر الحق لك و اقلهم مساعده فيما يكون منك مما كره الله لا وليائه...

«معياريهاي [انتخاب وزراء] همان معياريهاي است كه مردم در خواستههايشان اعلام كرده‌اند و در متن انقلاب، فرهنگ و نظام ما هست. ما آدمهايي را ميخواهيم كه مؤمن، پاك دست و شجاع باشند. شجاعت تصميمگيري داشته باشند، كارآمد و كار بلد باشند. اين ويژگي اخير خيلي مهم است. چون دولت بدون مردم مفهومي ندارد»^{۴۰}

«به نظر من [در انتخاب وزراء] بايد دينداري غلبه داشته باشد. علاوه بر تخصص بايد دينداري غلبه داشته باشد. اگر دين كسي بر رفتارش غلبه داشت، او اهل بحث، گفتگو و پذيرش منطق است. دليلي ندارد كه طبقه و دستپندي جديدي بين خودمان درست كنيم...»^{۴۱}

۸. و اعلم انه ليس شيء بأدعى الى حسن ظن و آل برعيته من احسانه اليهم و تخفيفه المؤنات عليهم و ترك استكراهه اياهم على ماليس له قبلهم. فليكن منك في ذلك امر يجتمع لك به حسن الظن...

«يكي از برجسته‌ترين تصميمات دولت [براي حمايت از صادرات] کاهش نرخ تسهيلات بود كه در اختيارشان قرار ميدهيم. به علاوه، ديروز نحوه تخصيص تسهيلات ارزي تصويب شد كه به راحتی بتواند در اختيار صادركنندگان قرار بگيرد.»^{۴۲}

«بياييد براي مديران عامل مسابقه بگذاريد كه کدام بانك ميتواند زودتر سود تسهيلاتش را پايين بياورد. با سودهاي ۱۶، ۲۰، ۲۸، ۳۶ درصد هيچگاه توليد شكل نميگيرد.»^{۴۳}

«يكي از ريشه‌هاي اصلي بيعدالتي و مفساد بانكها هستند، شك نكنيد. رانتخوارها، ويژه‌خوارها و سوء استفاده‌ها هم‌هاش در اين روابط بانكي است.»^{۴۴}

«من اساساً معتقد به بانكهاي ربوي نيستم و ايستادهام كه انشاءالله اين اصلاح بشود و اين را به عنوان عنصر منفى و سم مهلكي براي فرهنگ و اقتصادمان ميدانم.»^{۴۵}

۹. واكثر مدار العلماء و منافئه الحكماء، في تثبيت ما صلح عليه امر بلادك و ...

به نظر ميرسد اين آموزه علوي در عمل و نظر نصب العين رئيس جمهور قرار گرفته است. چه اينكه وي در سفرهاي خود به استانها و نيز خارج از كشور، با علما و انديشمندان مذهبي، نخبگان علمي، سياسي و اقتصادي به بحث و تبادل نظر ميشيند.

«دولت نيازمند پشتيباني علمي و فرهنگي است. بانك و اقتصاد ما بايد اسلامي بشود و نيز كشاورزي، تعليم و تربيت و روابط كارگر و كارفرما و بازار و جامعه ما به لحاظ روابط اجتماعي. كسي بايد اين را تدوين و تدريج كند، جز قم و علماء و انديشمندان و دانشگاهها؟»

۳۸ تجليل از خادمان قرآن كريم - ۱۳۸۴/۷/۲۷

۳۹ ديدار با مردم نقده - ۱۳۸۵/۶/۱۰

۴۰ مصاحبه با واحد مركزي خبر - ۱۳۸۴/۵/۲۳

۴۱ پيش از رأی اعتماد مجلس به وزراي پيشنهادي - ۱۳۸۴/۵/۳۰

۴۲ مراسم تقدير از صادركنندگان نمونه - ۱۳۸۴/۷/۲۸

۴۳ ديدار با استناداران و مديران عامل بانكها ۱۳ - ۱۳۸۴/۹/۱۳

۴۴ ديدار با اعضاي مجمع دانشجويان آل ياسين - ۱۳۸۴/۷/۲۶

۴۵ ديدار با مسئولين كميته امداد - ۸۴/۱۲/۱۴

من اینجا دست نیاز به سمت نخبگان و علمای قم دراز میکنم و ...»^{۴۶}

۱۰. ولیکن نظرک فی عمار الارض ابلغ ...

«آبادی اصلی کشور به آبادی روستاها و مراکز کشاورزی کشور است. نمیشود که روستا خراب بشود، بعد مرتباً در شهر برج بسازیم. این نشانه پیشرفت نیست، نشانه پسرفت است. پیشرفت آن است که همه جای کشور آباد باشد.»^{۴۷}
«بدون کشاورزی نمیشود زندگی کرد؛ پایه است. اگر کشاورزی داشته باشیم، چیزهای دیگر را نداشته باشیم، می-توانیم زندگی کنیم و بعد آنها را هم به دست بیاوریم. اما اگر خدای ناکرده کشاورزی نداشته باشیم، همه چیز داشته باشیم، چیزی نداریم.»^{۴۸}

۱۱. فالجنود باذن الله حصون الرعيه و زين الولاه و عزالدین و سبل الامن ...

«شأن نیروی انتظامی، شأن اقتدار ملت است. مردم در وجود شما و در رفتار شما اقتدار خود را جستجو میکنند... شأن امید و پناه مردم. نیروی انتظامی دمدستترین و دسترسترین قدرتی است که مردم میتوانند برای تأمین امنیت، آسایش و حقوق خود به آن مراجعه کنند و استمرار کنند. شأن نیروی انتظامی شأن ایجاد احساس امنیت در جامعه است.»^{۴۹}
۱۲. و تفقد امور من لا یصل الیک منهم ممن تفتحه العیون ...

«در سفرهای شهرستانی یکی خود بنده هستم که خدمت مردم میروم و هم میشنومیم. ائمه جمعه محترم، نمایندگان و فرمانداران میآیند و مطالب خود را مطرح میکنند. با خود مردم هم دیدار عمومی انجام میگیرد. کسانی با نامه و گفتگوی مستقیم مطالب را منتقل میکنند.»^{۵۰}

«یکی از دستاوردهای سفرهای استانی این است که همه اعضای دولت با نیازمندیها و توانمندیهای همه نقاط کشور آشنا میشوند.»^{۵۱}

«علت دوم سفرها بررسی از نزدیک مسائل، نیازمندیها و وظایف دولت است. فرق میکند در تهران در یک ساختمان چند طبقه در اتاقهای در بسته بنشینیم و فقط از روی کاغذ مسائل را ببینیم تا اینکه بیاییم در متن مردم و حرفها را بشنومیم، نامهها را بگیریم و محیط شهر رو روستا را ببینیم.

معمولاً گزارشهایی که از مناطق درباره مشکلات و مسائل از روی کاغذ میرسد، بر روی کاغذ همه چیز مرتب است، اما وقتی در متن مردم میآییم، میبینیم اوضاع به شکل دیگری است...»^{۵۲}

«حضرت علی (ع) به مالک اشتر میفرمایند که شما یک ساعات و زمانی را برای مواجهه رودرو با مردم قرار بده، باید مردم دسترسی داشته باشند، باید ببینی، حرف بزنی و حرف بزندی.»^{۵۳}

۱۳. و تعهد اهل الیتم و ذوی الر فی السن ممن لا حیل له ...

«منزل شخصی رفتیم، سر بزیم، کسی که تحت پوشش کمیته امداد بود. به صورت ناشناس رفتیم سر بزیم. یک آقایی که بنا بود، سقوط کرده و چشمش نابینا شده بود، گوشش هم سنگین شده بود، سه چهار بچه داشت و خانمش هم فوت کرده بود. یک اتاق و حیاط کوچک همه زندگیاش بود. دود گرفته و ...»^{۵۴}

۱۴. ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و ...

«در سیاستهای اقتصادی، جهتگیری اصلی دولت کاهش تصدیگری دولت و دادن فرصتها به متن مردم است... جهت-گیری دولت این است که تورم را کاهش بدهد، اینکه داریم سود بانکی را کاهش میدهم، در واقع حمایت از تولید و تولید بخش خصوصی است... ما داریم تلاش میکنیم تا سیستم مالیاتی را روان کنیم.»^{۵۵}

۱۵. ثم لایکن اختیارک یا هم علی فراستک ...

۴۶ دیدار با منتخبین استان قم ۱۳۸۴/۱۰/۱۵

۴۷ دیدار با کشاورزان نمونه - ۱۳۸۴/۱۰/۱۳

۴۸ همان

۴۹ جشن فارغ التحصیلی نیروی انتظامی - ۱۳۸۵/۷/۱۱

۵۰ مصاحبه پس از جلسه هیأت دولت استان تهران - ۱۳۸۵/۷/۱۷

۵۱ مصاحبه رادیو تلویزیونی - ۱۳۸۵/۸/۲۳

۵۲ دیدار با مردم آزادشهر - ۱۳۸۵/۱۲/۲۴

۵۳ دیدار با تشکلهای دانشجویی - ۱۳۸۵/۷/۲۶

۵۴ دیدار با مسئولین کمیته امداد - ۸۴/۱۲/۲۴

۵۵ نشست مشترک هیأت دولت و استانداران ۱۳۸۵/۴/۱۸-۱۸

به شما بگویم بیشترین دل نگرانی و شکایتهای مردم در سفرهای استانی از انتصاباتی است که شما کردهاید. مبادا مردم احساس کنند به آنها توهین میکنید، یا کسی شعور مردم را دست کم بگیرد. با آقایی زد و بند کند و عوامل او را بر مردم حاکم کند... باید آدمهای قوی بگذارید؛ دلسوز و امین مردم. ... آقا را به استانی فرستادهایم به جای اینکه برود از حزب اللهیهای مخلص و فداکار و مردمی انتخاب کند، رفته بانندی سیاسی آورده و دوباره حاکم کرده است...»

۱۶. ثم اعلم یا مالک انی قد وجهتک الی بلاد ...

«من خیر دارم که یک استاندار باب تشریفات را باز کرده است، بیا و برو مثل پادشاهان میآید و میرود. این مال این دولت نیست. اصلاح کنید.»^{۵۶}

حضرت امیر در پایان نامه خود برای خود و مالک سعادت و شهادت را از درگاه حضرت حق مسئلت میکند و جالب اینکه هر دوی آن بزرگواران نیز شهید شدند.

«شهادت یک هدیه ویژه برای افراد ویژه است، یعنی خدا انتخاب میکند. امروز رمز پایداری ملت ما جاری بودن فرهنگ ایثارگری و شهادت در متن جامعه است. این را باید زنده نگه داریم و تقویت کنیم.»^{۵۷}